

# درس نود و چهارم – نگاهی به دو فعل پر کاربرد **ausgehen** و **weggehen**

سلام دوستان ، در این درس می خواهیم باهم نگاهی داشته باشیم به دو فعل پر کاربرد و مهم **ausgehen** و **weggehen** در زبان آلمانی ، همانطور که میدانید این دو فعل در موقعیت های مختلف می توانند معانی و برداشت های متفاوتی را به همراه داشته باشند. در این درس سعی میکنم که به تمام موقعیت های که می توانیم از این افعال استفاده کنیم ، اشاره کنم.

قبل از اینکه این درس را شروع کنیم جا دارد که این نکته را نیز در اینجا بیان کنم ، بعضی از دوستان پیشنهاد داده بودند که اگر همراه با جملات و مثال ها تلفظ آنها هم بود ، خیلی بهتر میشد.

به همین دلیل نرم افزار رایگانی برای دستگاه های اندروید نوشته ام که می توانید آنرا از سایت گوگل پلی دانلود کنید.

برای دانلود نرم افزار متن خوان آلمانی ( [اینجا کلیک کنید](#) )

و اما به ادامه درس پردازیم

**ausgehen** یک فعل جداگانه می باشد

برای گردش از خانه بیرون رفتن ، رفت و آمد داشتن ، قصد و نیتی داشتن ، برای نائل آمدن به هدفی تلاش و کوشش کردن ، حاشا کردن ، از چنگ قانون گریختن ، دست خالی ماندن ، خاتمه یافتن ، تمام شدن ، فروکش نمودن ، خاموش شدن چراغ یا آتش ، سر چشمه گرفتن ، نقطه ی به پایان رسیدن و مسیرهای تازه ی آغاز شدن

گذشته ساده : **gingen aus**

گذشته کامل : **sein ausgegangen**

موقعیت اول : هرگاه بخواهیم خانه یا مکانی را ترک کنیم یا به عبارت ساده تر از آنجا خارج شویم

Sie war ausgegangen, um Einkäufe zu machen

او ( مونث ) خانه را ترک کرده بود ، تا خریدهایی انجام بدهد

موقعیت دوم : در زمان های مختلف به نیت کارهای مختلف رفتن ( مثلا : برای رقصیدن ، برای گردش ، برای غذا خوردن توی یک رستوران مشخص )

Häufig ausgehen

به تکرار به قصد و نیت کاری رفتن یا از خانه خارج شدن

Wir gehen häufig zum Tanzen aus

ما اغلب به نیت رقصیدن میرویم

selten ausgehen

به ندرت به قصد و نیت کاری رفتن یا از خانه خارج شدن

Wir gehen selten zum Essen aus

ما به ندرت به نیت غذا خوردن از خانه خارج می شویم

ساده تر اینکه بیرون خیلی غذا نمیخوریم و به نیت غذا خوردن به ندرت از خانه خارج می شویم.  
پس توجه داشته باشید که ausgehen در این موقعیت همیشه قصد و نیتی را به همراه دارد.

موقعیت سوم : هرگاه در یک خیابان اصلی هستیم و به نقطه ای میرسیم که با مسیرهای دور افتاده ی زیادی در مقابل مان رو به رو می شویم.

مثلا : فرض کنید در یک میدان اصلی هستید و سپس از هرجهت به یک مسیر یا جاده دور افتاده ای میروید.

Von diesem Knotenpunkt gehen mehrere Fernstraßen aus

از این تقاطع بیشتر خیابان های پرت و دور شروع می شود .

یعنی مسیر اصلی ما خاتمه یافته و اینک به نقطه ای رسیده ایم که از هر جهتش می توان به یک مسیر دور افتاده و پرت رفت

موقعیت چهارم : هرگاه بخواهیم به عنوان چیزی ارسالی یا دریافتی از آن استفاده کنیم. همانند پست

Die ausgehende Post

پست های ارسالی

نامه یا بسته های را که ما ارسال کرده ایم

Die eingehende Post

پست های دریافتی

نامه ها یا پست های را که ما دریافت کرده ایم

موقعیت پنجم : هرگاه تحرک یا حرفی یا تشویقی از کسی شروع شود یا اینکه سرچشمه آن حرف ، آن تحریک یا تشویق از کسی باشد.

Die Anregung geht vom Minister aus

آن تشویق و تحریک از آقای وزیر سرچشمه میگیرد.

Ruhe geht von jemandem aus

آرامش ، صمیمیت ، صفا و صلح از کسی سرچشمه گرفتن

آرامش ، صمیمیت ، صلح و صفایی که اکنون حاکم است ، سر چشم اصلی آن کسی باشد.

خلاصه اینکه ، باعث و بانی چیزی بودن

موقعیت ششم : هرگاه ما برای چیزی یا برای کاری برنامه ریزی میکنیم اما آن اتفاق بر طبق برنامه های ما رخ نمیدهد.

فرض کنید من از شما درخواست ۵۰ یورو پول میکنم و به شما می گویم که تصور میکنم ( صد در صد اطمینان ندارم ) که پولم را روز ۲۸ ماه دریافت میکنم و پولی را که از شما قرض گرفته ام را بر میگردانم.

Ich gehe davon aus, dass ich mein Geld am 28 bekomme

من تصور میکنم که پولم را در روز ۲۸ دریافت کنم

حال بیست و هشتم ماه شده است و من پولم را دریافت نکرده ام.

Ich bin davon ausgegangen, dass das Geld am 28 kommt

من تصور میکردم که پولم در روز ۲۸ بیاید.

Aber es war leider nicht so

اما متاسفانه اینگونه نبود

موقعیت هفتم : هرگاه برای چیزی تلاش و کوشش کنیم تا آنرا به دست بیاوریم.

Auf Gewinn ausgehen

برای نفع و سود کوشش کردن

برای برد کوشیدن

موقعیت هشتم : هرگاه چیزی به اتمام میرسد ، همانند تمام شدن تئاتر یا تمام شدن مدرسه در یک روز

Die Schule geht um 12 Uhr aus

آن مدرسه راس ساعت ۱۲ خاتمه می یابد.

راس ساعت ۱۲ تعطیل میشود.

Das Theater war spät ausgegangen

آن تئاتر دیرتر به اتمام رسید.

موقعیت نهم : هرگاه لامپ یا آتش خاموش شود ، فروکش نمودن

Das Licht ging aus

آن چراغ خاموش شد.

Die Lampe ging aus

آن لامپ خاموش شد.

موقعیت دهم : هرگاه چیزی همانند رنگ از جسم یا کالای برود. مثلا از بین رفتن رنگ یک پارچه

Das Rot in diesem Stoff ist beim Waschen ausgegangen

رنگ قرمز در این پارچه هنگام شستشو از بین رفته است.

توجه داشته باشید که در این موقعیت معمولا auslaufen را بیشتر به جای ausgehen استفاده میکنند.

Das Rot in diesem Stoff ist beim Waschen ausgelaufen

رنگ قرمز در این پارچه هنگام شستشو از بین رفته است.

هر دو جمله صحیح می باشد ، اما در این موقعیت بهتر و مناسب تر است از فعل auslaufen به جای ausgehen استفاده کنیم.

اما در این درس نگاهی هم خواهیم داشت به فعل weggehen که تقریبا معانی نزدیک به ausgehen دارد.

weggehen یک فعل جدا شدنی است

رفتن ، دور شدن ، خارج شدن ، ترک کردن ، عزیمت کردن ، به فروش رفتن

گذشته ساده : gingen weg

گذشته کامل : sein weggegangen

موقعیت یک : کمی به جلوتر رفتن ، کمی کنارتر رفتن ، کمی آنطرف تر رفتن

فرض کنید شما مشغول انجام کاری هستید که به نور نیاز دارید و من می آیم جلوی نور قرار میگیرم و شما می خواهید بگید برو

اونور جلوی نور واستادی

Geh mal weg, du stehst mir im Licht

برو کمی آنطرف تر ، تو جلوی نور واستادی.

موقعیت دوم : هرگاه کسی شهر یا مکانی را ترک کرده باشد ، یعنی کلا اسباب و اثاثیه را جمع کرده باشد و رفته باشد.

Er ist aus Berlin weggegangen ( weggezogen

او از شهر برلین رفته است ( اسباب کشی کرده )

به طوری که از شهر برلین کاملا دور شده است ، مثلا شاید از برلین به فرانکفورت تمام اسباب و اثاثیه اش را جمع کرده باشد و رفته باشد.

موقعیت سوم : هرگاه درد یا چیزی خارج شود ، دور شود از بین برود.

Von den Tabletten gehen die Kopfschmerzen schnell weg

از طریق این قرص ها آن سرد به سرعت از بین میرود ( دور میشود )

موقعیت چهارم : هرگاه بخواهیم بگویم لکه یا چیزی نظایر آن از بین میرود یا از بین نمیرود.

Der Fleck geht nicht mehr weg

آن لکه هرگز از بین نمیرود.

Der Fleck geht leicht weg

آن لکه به آسانی از بین میرود

Der Fleck gehet nur schwer weg

آن لکه فقط به سختی از بین میرود.

موقعیت پنجم : جسنی به فروش برسد

Für den Preis geht der Wagen sofort weg

با آن مبلغ ، آن ماشین فوراً به فروش میرسد.

Die Ware ging reißend weg

آن اجناس تند و برق آسا به فروش رفتند

آن اجناس سریع فروخته شدند.

شاید تا اینجای درس برای خیلی از سوالات و نکاتی که در ذهنتان بود ، پاسخی پیدا کرده باشد ، اما چنانچه هنوز تفاوت میان *weggehen* و *ausgehen* را هنوز به خوبی متوجه نشده اید ، می بایستی اینگونه توضیح بدهم :

فعل *ausgehen* در بیشتر مواقع موقتی است ، مثلاً ما برای مدت کوتاهی از خانه خارج می شویم ، حال به قصد خرید کردن و ... اما فعل *weggehen* می تواند به این معنی باشد که ما به مسیر دور افتاده ای رفته ایم ، یک خارج شدنی است که شاید مدتی بیشتر از معمول طول بکشد. ناگفته نماند که این در صورتی است که ما بخواهیم از این دو فعل در موقعیت رفتن یا خارج شدن استفاده کنیم.

مثلاً اگر بخواهیم به فروشگاه بروم و خرید کنم ، چنانچه آن فروشگاه با من ۱ کیلومتر فاصله داشته باشد ، این مسیر خیلی دور نیست ، اما اگر بخواهیم برای یک کار اداری به یک شهری بروم که ۲۰ کیلومتر با من فاصله داشته باشد ، آنگاه من کاملاً دور شده ام از خانه یا به عبارتی *weggehen* را انجام داده ام.

در ارتباط با کالا و فروش آن ، تقریباً معنی خیلی نزدیکی دارد و می تواند به جای یکدیگر از آنها استفاده کرد.

مثلاً چه من بگویم ، آن جنس تمام شده است ، چه بگویم آن جنس به فروش رفته است . در هر دو حالت یک تصویر در ذهن شنونده ایجاد می شود و برداشتی کاملاً مشابه از آن جملات دارد.

پس اگر بخواهیم بگم جنس یا کالای تمام شده است از *ausgehen* استفاده میکنم و اگر بخواهیم بگویم که آن جنس و کالا به

فروش رفته است از weggehen

چنانچه شما نیز در ارتباط با این درس ، مثال ، سوال یا پیشنهادی دارید ، می توانید آنرا در بخش نظرات همین درس درج کنید.  
موفق باشید.

آموزش رایگان زبان آلمانی - مرتضی غلام نژاد

منبع : [de.alemani.de](http://de.alemani.de)